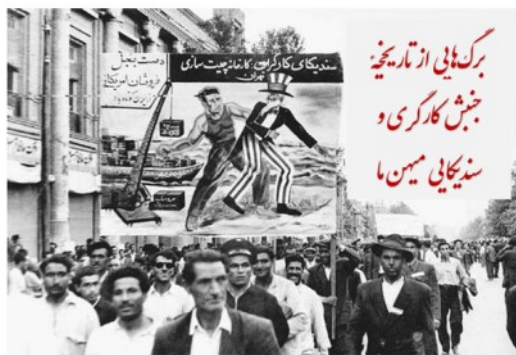


کارگران همه کشورها متحد شوید!

پویه پیدایش سندیکاهای کارگری در ایران - بخش هفتم

در سال ۱۳۰۲ تعداد اتحادیه‌های کارگری تهران به ۱۵ اتحادیه رسید. در این مدت کارگران نساجی، شهرداری، و بسیاری دیگر نیز اتحادیه‌های خود را تأسیس کردند و پس از آن به "شورای مرکزی اتحادیه‌ها" پیوستند. در سال ۱۳۰۳ نیز اتحادیه کارگران ماهیگیری با حدود ۹۰۰ عضو، اتحادیه کارگران چیت‌سازی با حدود ۲ هزار عضو، اتحادیه کارگران ساختمانی با حدود ۵۰۰ عضو، اتحادیه کارگران بنادر با حدود ۲۰۰ عضو تشکیل شدند که همه



آن‌ها نیز به "شورای مرکزی اتحادیه‌ها" پیوستند.

در سال‌های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ جنبش‌های اعتصابی به تدریج افزایش یافتند که یکی از بزرگ‌ترین اعتصاب‌های مهم این دوره اعتصاب کارگران چیت‌سازی تهران بود. تمامی اعضای این اتحادیه که بالغ بر ۲ هزار نفر بودند در این اعتصاب شرکت کردند. این اعتصاب هفت روزه که برای افزایش دستمزد برپا شده بود با پیروزی کارگران پایان یافت. همچنین اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها که از پیشگامان

ادامه در صفحه ۳

نامه
ضمیمه
کارگری
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۳، ۳۰ خرداد ۱۴۰۲



شرکت نمایندگان رژیم ولایت فقیه در نشست «سازمان جهانی کار» (ILO)

حضور هیئتی از سوی حکومت جمهوری اسلامی در صدوبازدهمین نشست "سازمان جهانی کار" (ILO) خبرساز بود. در روز ۲۰ خردادماه رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار،

یعنی منزوی‌ترین و کارگرسبزی‌ترین شکل دست‌ساز حکومتی، در مقام نماینده جمهوری اسلامی در نشست "سازمان جهانی کار" سخنرانی کرد. اولیا علی بیگی، در سخنرانی و معرفی خود، به تورم لگام گسیخته ۷۰ درصدی و فقر و فلاکت کارگران با افزایش فقط ۲۷ درصدی دستمزد آنان اشاره‌ای نکرد. او به اخراج و زندان گسترده فعالان کارگری و معلمان اشاره‌ای نکرد. او به شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای به معترضان جنبش زن، زندگی، آزادی با هدف کور کردن آنان، مسموم کردن دانش‌آموزان و دانشجویان دختر، اعدام‌های گسترده، و جز این‌ها، اشاره‌ای نکرد. همچنین این مہرہ دستگاه‌های امنیتی رژیم به "برنامه هفتم توسعه" با اخراج یک‌طرفه کارگران و پرداخت نصف دستمزد چندین بار زیر خط فقر به آنان، آزادسازی مزد و پرداخت مزد دلخواه کارفرمایان به معلولان، افزایش سن بازنشستگی و یورش گسترده رژیم به تمام حقوق کار و تأمین اجتماعی و امنیت شغلی کارگران اشاره‌ای نکرد. تشکل‌های مستقل، حرکت‌های سندیکایی و جنبش کارگری ایران از کارکرد و ساختار "سازمان جهان کار" در شرایط کنونی و نیز ماهیت ضدکارگری هیئت جمهوری اسلامی در اجلاس این سازمان بین‌المللی درکی مشخص و درست دارند. "فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری" (WFTU) در بیانیه‌ای با انتقاد شدید از "ساختار غیردمکراتیک و ناعادلانه سازمان جهانی کار" اعلام کرد: "ذیل مجموعه ILO، کارفرمایان و دولت‌ها با تحمیل رهبران شده سندیکایی و همکاری تشکل‌های زرد به بسیج قدرت‌ها علیه فعالیت کارگری در کشورهای بزرگ دامن زده‌اند... پس‌رفت و تهاجم علیه حقوق اتحادیه‌های کارگری در فرانسه، ترکیه، پرو، ایالات متحده آمریکا، قزاقستان، و همچنین حملات حقوقی دولت‌ها علیه حق اعتصاب در بریتانیا، فرانسه، و سایر کشورها باید متوقف شود." کارگران ایران و حرکت‌های سندیکایی به‌حق‌شان با حضور تشکل‌های دست‌ساز در کلیه مجمع‌های بین‌المللی مخالف هستند.

باید تأکید کنیم تنها در پرتو مبارزه متحد و احیای حقوق سندیکایی کارگران ایران می‌توانند به‌حضور تشکل‌های زرد حکومتی در سازمان‌های بین‌المللی‌ای نظیر سازمان بین‌المللی کار و فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری پایان دهند و با حضور در این مرکزها صدای واقعی طبقه کارگر و زحمتکش میهن‌شان باشند.

تأملی بر پیش‌نویس «برنامه هفتم توسعه»: تأمین امنیت سرمایه با چاپول منافع طبقه کارگر

تصویب لایحه "برنامه هفتم توسعه" در هیئت دولت از مهم‌ترین خبرهای چند هفته اخیر بود که بازتابی گسترده در بین طبقه کارگر و زحمتکش‌ان داشت. به‌گفته سخنگوی دولت ضد ملی ابراهیم رئیسی، لایحه برنامه هفتم توسعه پس از ۴۵ نشست تخصصی و هفت نشست هیئت وزیران طی جلسه فوق‌العاده دولت به‌تصویب رسیده است. نخستین واکنش‌ها به این لایحه حاکی از خشم و ناراضی‌تای توده‌های کارگر در چهارگوشه کشور بوده است. انتشار پیش‌نویس برنامه هفتم توسعه زرفش شکاف هزینه-مزد و مطرح کردن خواست ترمیم دستمزد به‌صورتی جدی را از سوی کارگران و زحمتکش‌ان سبب گردیده است. تا کنون دولت، مجلس، و دیگر ارگان‌های حکومت از پاسخ به این خواست به‌حق زحمتکش‌ان شانه خالی کرده‌اند. اما در همین حال محتوای برنامه هفتم توسعه ناظر بر آزادسازی مزد است. به‌بیان دیگر، تفکر مؤسسه‌های انگلی که در

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی پیوند دادن مبارزات کارگری با جنبش همگانی علیه دیکتاتوری ولایتی،

تحریم، و مداخله امپریالیسم و برای برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!

ادامه ناملی بر پیش نویسی «برنامه هفتم توسعه»

سال‌های اخیر شناور کردن مزد و تغییر قانون کار به سود تأمین امنیت سرمایه را خواستار بوده‌اند، نگاه و اندیشه غالب در تدوین مهم‌ترین برنامه راهبردی اقتصادی اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی است. اما این همه ماجرا نیست و با نگاهی ژرف‌تر و دقیق‌تر باید به محتوای برنامه هفتم توسعه و انگیزه‌های سیاسی و منافع طبقاتی در تدوین آن توجه کرد. برنامه هفتم توسعه در گرماگرم مقاومت مردمی در برابر دیکتاتوری حاکم، خیزش زن، زندگی، آزادی، و اوج‌گیری بحران چندلایه و چندوجهی‌ای که رژیم توان حل کردن آن‌ها را ندارد تهیه، تدوین، و در دولت به تصویب رسیده و پس از آن به مجلس ارائه شده است. بنابراین، این برنامه تأمین منافع کلان سرمایه‌داری مالی-تجاری یعنی تکیه‌گاه اصلی حکومت جمهوری اسلامی را وظیفه خود قرار می‌دهد. انباشت سرمایه به‌بهای فقر و فلاکت اکثریت قریب‌به‌اتفاق مردم میهن ما به‌ویژه طبقه کارگر محور و اولویت برنامه هفتم توسعه است. به‌دلیل سخن، این برنامه در محتوای اصلی‌اش راهکار و سیاست راهبردی حکومت جمهوری اسلامی به‌منظور حفظ نظام و نیز رویارویی با جنبش مردمی است. خطوط کلی برنامه هفتم توسعه اجرای نسخه‌های ویرانگر نولیبرالی سرمایه‌داری را در دستورکار قرار می‌دهد. سیاست‌هایی نظیر خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی، انعطاف در بازار کار، کالایی‌سازی آموزش و بهداشت سرلوحه این برنامه و برنامه‌های رژیم هستند.

یکی از نکته‌های کلیدی در این برنامه تأمین، تضمین، و تداوم پیوندهای رژیم ولایت فقیه با امپریالیسم و مشارکتش در تقسیم کار سرمایه‌داری جهانی بر پایه دستورهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است. حکومت جمهوری اسلامی از این طریق نقش و جایگاهش در تقسیم کار سرمایه‌داری جهانی را تعریف، بازترسیم می‌کند و بر آن‌ها تأکید می‌ورزد. این امر همچنان که بارها اشاره کرده‌ایم، از مهم‌ترین بخش‌های سیاست چندوجهی حفظ نظام است که ولی فقیه در تدوین و اجرای آن نقشی درجه اول دارد. باهمه گرافه‌گویی‌ها و مانورهای عوام‌فریبانه "ضد غربی" و "گردش به شرق"، این سیاست یعنی تأکید بر جایگاه حکومت جمهوری اسلامی در تقسیم کار سرمایه‌داری جهانی همواره اولویت داشته و دارد.

به‌علاوه، محتوای برنامه هفتم توسعه معنا و بار سیاسی‌ای معین دربر دارد که به‌آن به‌دقت باید توجه کرد. برنامه هفتم توسعه در میانه تحول‌های مهم سیاسی و خیزش زن، زندگی، آزادی با نگاهی بر صفت‌بندی‌های سیال در میدان مبارزه طبقاتی تدوین شده است. از این روی، حرکت و کوششی از سوی رژیم برای یارگیری از لایه‌های مختلف طبقه سرمایه‌دار و مرفه ایران در راستای حفظ نظام ارزیابی می‌شود. جذب لایه‌هایی معین از طبقه سرمایه‌دار و مرفه، کسب حمایت آن‌ها در برابر رشد جنبش مردمی، گردآوردن این لایه‌ها به‌دور نظام و دورکردن‌شان از اپوزیسیون راست خارج کشور، و دادن اطمینان و تضمین به پایگاه طبقاتی رژیم یعنی کلان سرمایه‌داران، از دیگر مسئله‌هایی‌اند که رژیم در تهیه و نگارش "برنامه هفتم توسعه" با محاسبه‌ای دقیق بر آن تأکید دارد.

با آنچه اشاره شد، تهیه و آماده‌سازی زمینه برای تصویب نهایی "برنامه هفتم توسعه" در این مقطع زمانی آیا می‌تواند تصادفی باشد؟ پاسخ قطعاً منفی است. ما با حرکتی تصادفی روبه‌رو نیستیم، زیرا سیاست‌های کلی نظام که از سوی ولی فقیه ابلاغ می‌شوند آماج و سمت‌گیری اقتصادی و اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی را بر مبنای و در چهارچوب نسخه‌های نولیبرالی سرمایه‌داری ترسیم و تعیین می‌کند. در این باره باید اضافه کنیم که جنبه دیگر تدوین "برنامه هفتم توسعه" که از محورهای عمده آن تلقی می‌شود، یورش هدفمند و گسترده به حقوق و منافع طبقه کارگر و زحمتکشان فکری و یدی است. اما پرسش اینجاست که چرا در این لایحه با چنین حجمی از

حمله‌ها و اعمال فشار به منافع طبقه کارگر روبه‌رویم؟ پاسخ را باید در تحول‌های صحنه سیاسی و میدان مبارزه طبقاتی یافت. خیزش زن، زندگی، آزادی و پیش از آن خیزش‌های خونین آبان‌ماه ۹۸ و دی‌ماه ۹۶ و اعتصاب‌های کارگران رسمی صنعت ملی نفت، ذوب‌آهن، تجمع‌ها و اعتصاب‌های فرهنگیان و پرستاران، و همچنین اعتصاب‌های دامنه‌دار کارگران پروژه‌ای صنایع گاز و پتروشیمی، دیگر بار نقش، جایگاه، و توانایی‌های بالفعل و بالقوه طبقه کارگر و زحمتکشان فکری و یدی را به‌رژیم و دستگاه‌های امنیتی آن یادآور شد و کابوس روز و شب‌شان گردید. طبقه کارگر در صورت بازسازی بنیه خود و احیای حقوق سندیکایی‌اش، اثرگذارترین نیروی ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی به‌سود تغییرهای بنیادین در میهن‌مان است. از این روی، برنامه مقابله نرم و سخت با موقعیت و جایگاه طبقه کارگر در صدر سیاست‌های حکومت جمهوری اسلامی است. آماج اصلی "برنامه هفتم توسعه" تحمیل حالت تدافعی، ایجاد چند پارچگی، و تقسیم جنبش کارگری به‌طیف‌هایی نامتقارن و ناهماهنگ با یکدیگر به‌هدف غارت هرچه بیشتر دسترنج آنان است. تضعیف و زمینگیر کردن مبارزه کارگران و زحمتکشان و حذف عامل مردم به‌ویژه طبقه کارگر از معادله‌های صحنه سیاسی یکی از مهم‌ترین محورهای "برنامه هفتم توسعه" و انگیزه سیاسی در تدوین آن است.

کوتاه‌سخن، لایحه "برنامه هفتم توسعه" محتوایی به‌شدت ضدکارگری دارد و حقوق و منافع زحمتکشان را با خصومت و کینه طبقاتی‌ای ویژه ارتجاع حاکم نقض و پایمال می‌کند. باید با این برنامه از هم‌اکنون و به‌صورتی یکپارچه به‌مبارزه برخاست.

ادامه مسئله‌های جنبش سندیکایی:

۱۷- کمیته بین‌المللی حفاظت از آزادی‌های سندیکایی و دموکراتیک شواهد موجود را گردآوری و به سازمان‌های بین‌المللی ارائه خواهد داد، و از ابتکارهای مربوط و مناسب رهبری فدراسیون نیز حمایت خواهد کرد. همچنین، با کمیته حقوقی فدراسیون همکاری خواهد کرد.

۱۸- از سوی دیگر، اغلب کارفرمایان اقدام‌های ایمنی و بهداشت لازم را در محیط‌های کار اجرا نمی‌کنند، زیرا به‌نظر آنان، ایمنی و بهداشت کارگران هزینه‌بر است و به "سوانح کار" منجر می‌شود. سازمان جهانی کار تخمین می‌زند که سالانه در حدود ۲/۳ میلیون کارگر زن و مرد در سراسر جهان دچار سوانح کاری یا بیماری‌های شغلی می‌شوند. این یعنی بیش از ۶ هزار مورد مرگ در هر روز.

۱۹- در سراسر جهان، هر سال در حدود ۳۴۰ میلیون سانه کاری رخ می‌دهد و ۱۶۰ میلیون نفر به بیماری‌های شغلی مبتلا می‌شوند.

۲۰- بودجه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری از پرداخت حق عضویت اعضا و حمایت مالی دوستارانش تأمین می‌شود. فدراسیون هیچ منبع مالی دیگری ندارد. به‌همین دلیل، کنگره از همه سازمان‌های وابسته می‌خواهد که حق عضویت‌شان را پرداخت کنند. حمایت مالی تقویت‌کننده استقلال مالی و توسعه سازمانی فدراسیون است.

سیستم ارتباطی منسجم فدراسیون
۲۱- اکثر رسانه‌های جهان در کنترل انحصارها و شرکت‌های چندملیتی‌اند. این رسانه‌ها ابزار و سازوکار تبلیغ علیه منافع کارگران و ملت‌ها هستند. اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری رزمنده باید نقش تبلیغاتی این رسانه‌ها را افشا کنند و هم‌زمان، از همه امکانات فناوری برای شکستن انحصار شرکت‌های چندملیتی بر اطلاعات باید استفاده کنند و برای رساندن حقایق و شواهد واقعی به کارگران راه‌هایی بیابند.

۲۲- ما تصمیم گرفتیم که دفتر مرکزی فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در آتن [یونان] باقی بماند و دفتر منطقه‌ای اروپایی آن از قبرس، یعنی از جایی که تا کنون مستقر بود، به ایتالیا منتقل شود.

تصویب شده در هجدهمین کنگره فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری (WFTU)

ژم، ایتالیا، ۷ ماه مه ۲۰۲۲ [۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱].
بخش ششم، پایان.

علت اصلاح قوانین کار و تأمین اجتماعی را در کجا باید جستجو کرد؟

هدف رژیم ولایت فقیه در اجرای سیاست تعدیل ساختاری، مقررات‌زدایی کامل، آزادسازی اقتصاد و مزد زحمتکشانش، خصوصی‌سازی بنگاه‌های تولیدی، آموزش، درمان و خدمات

بوده است. با انتصاب رئیسی به مقام رئیس‌جمهور، هدف رژیم تکمیل این پویه و حفظ حمایت پایگاه طبقاتی خود یعنی کلان‌سرمایه‌داران و سرمایه‌داری انگلی بود. ولی با آغاز جنبش "زن، زندگی، آزادی" و گسترش اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری، مقابله با این جنبش و اعتصاب‌ها به هدف عمده رژیم تبدیل شده است. پیش‌تر هدف‌هایی که در "برنامه هفتم توسعه" گنجانده شده است در واقعیت امر تقریباً دو سال پیش در جلسه‌های شورای گفتگوی اتاق بازرگانی با نمایندگان دولت رئیسی هدف‌گذاری شده بود. حقوق کار و تأمین اجتماعی زحمتکشانش به اتاق بازرگانی یا "برنامه هفتم توسعه" یا لایحه‌های بودجه دولت ربطی ندارند. ولی آغاز بازرگاری در این‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور در جلسه‌های اتاق بازرگانی شروع شد، بعداً به تحمیل افزایش فقط ۱۰ درصدی دستمزد کارگران دولتی و بازنشستگان در لایحه بودجه ۱۴۰۱ و بعدتر در اصرار به افزایش فقط ۲۰ درصدی دستمزد تمام کارگران در لایحه بودجه ۱۴۰۲ ادامه یافت که نهایتاً به اصطلاح به قبول افزایش ۲۷ درصدی دستمزد انجامید. اکنون تلاش برای آزادسازی مزد تا پیش‌تر قوانین برده‌داری‌ای نوین مانند "نظام استادشگردی"، افزایش سن و سابقه و مبنای محاسبه مستمری بازنشستگی زحمتکشانش، غارت باقی‌مانده منابع کارگران در تأمین اجتماعی تا فروپاشی درمان، واگذاری تمام امور دولتی به غارتگران پیمانکار، و جز این‌ها ادامه این پویه است.

روز ۱۴ آذرماه ۱۴۰۰، وزیر کار قبلی دولت کنونی، رئیس کانون عالی بازنشستگان تهران یعنی علی دهقانی‌کیا را به عضویت در هیئت امنای تأمین اجتماعی برگزید. دهقانی‌کیا در گفت‌وگویی با روزنامه شرق، ۱۶ خردادماه ۱۴۰۲، مدیرعامل تأمین اجتماعی را از "زدیکان به جبهه پایداری" توصیف کرد و با تأکید بر اینکه "بی‌آنکه من' پرداخت‌کننده حق بیمه و مستمری‌بگیر، از آن اطلاع داشته باشم"، بر اساس ابلاغیه اصل ۴۴ ولی فقیه "در سال ۱۴۰۰، ۶۷ درصد سهام بانک رفاه کارگران" را فروخته‌اند" افزود: "دیگر تصمیم‌گیری نهایی مسائل مربوط به این بانک با ما نخواهد بود." ضمن افزایش مالیات بر ارزش افزوده از ۹ درصد به ۱۳ درصد در برنامه هفتم توسعه، به اصطلاح مانند بعضی کشورها، رژیم ولایتی هدفش انتقال وظیفه اخذ حق بیمه واحدها و کارگاه‌ها به وزارت اقتصاد و دارایی است. روز ۲۱ خردادماه یک کارشناس سازمان تأمین اجتماعی یک چنین حق بیمه‌ای را مالیاتی اجتماعی خواند که آن کشورها به همه "مستمری پایه پرداخت" می‌کنند. رژیم غارتگر ولایتی هرگز "مستمری پایه" به زحمتکشانش پرداخت نکرده است. در مورد مصوبه مزدی سال ۱۴۰۲، مطابق گزارش ۲۲ خردادماه ایلنا، وزیر کار مرتجع مرتضوی گفته است: "ما هرگز توافق نکرده‌ایم که در صورت عدم مهار تورم، دستمزد بازرگاری می‌شود و هیچ قصدی برای بازرگاری در مزد سال جاری نداریم." او در مورد "نظام استادشگردی" نیز گفته است: "بحث استاد شاکردی حلقه مفقوده تربیت نیروی ماهر است. بیش از سه ماه است که نهاد ارتجاعی دیوان عدالت اداری مشغول رسیدگی "خارج از نوبت" به شکایت کارگران برای ابطال مصوبه مزدی ۱۴۰۲ است. فارغ از اینکه دیوان عدالت اداری یا هر ارگان دیگری چه تصمیمی بگیرد، کارگران و زحمتکشانش کشور باطل شدن مصوبه مزدی و ترمیم دستمزد بر اساس نرخ واقعی تورم و سبب معیشت را خواستار هستند. علت اصلی اصلاح قوانین کار و تأمین اجتماعی را به این ترتیب می‌باید در ماهیت ضدکارگری حکومت جمهوری اسلامی تشخیص داد.

ادامه پویه پیدایش سندیکاهای کارگری ...

جنبش اتحادیه‌ای و اعتصابی در ایران بودند، در مقابله با اقدام دولت که قصد ممنوع کردن برخی از روزنامه‌ها را داشت دست به اعتصاب زد. دولت بر اثر این اعتصاب و شرکت فعال کارگران و مبارزه پیگیرانشان در آن وادار به عقب‌نشینی شد و روزنامه‌های توقیف‌شده نیز اجازه انتشار مجدد یافتند. کارگران چاپخانه مجلس شورا نیز در همین دوره با برپایی اعتصابی موفقیت‌آمیز توانستند دستمزدشان را افزایش دهند و در مبارزه‌شان به پیروزی برسند.

"شورای متحده" که در سال ۱۳۰۰ تنها با ۹ اتحادیه در تهران آغاز به کار کرد (این ۹ اتحادیه عبارت بودند از اتحادیه‌های: چاپخانه‌داران، داروسازان، کفاشان، دلاکان، نانوايان، کارگران ساختمانی، کارگران شهرداری، خیاطان، و کارگران نساجی) طی سه سال بعد گسترش یافت و شمار اعضای آن به بیش از هشت هزار نفر رسید و توانست اتحادیه‌های آموزگاران و کارکنان پست و تلفن را نیز با خود همراه سازد.

در مراسم روز کارگر در تهران که از سوی "شورای متحده" سازمان‌دهی شده بود، بیش از دو هزار نفر شرکت کردند. "شورای متحده" همچنین اعتصاب چاپخانه‌داران، پستچی‌ها، نانواها، و کارگران نساجی را با خواست افزایش دستمزد رهبری کرد. "شورای متحده" افزون بر این، به تشکیل بیست‌ویک اتحادیه جدید در ناحیه‌های مختلف کشور یاری رساند.

این اتحادیه‌های جدید عبارت بودند از: اتحادیه کارگران بارانداز و اسکله بندر انزلی، بافندگان فرش کرمان، کارگران نساجی اصفهان، کارگران صنعت نفت جنوب، آموزگاران، باربران، کارگران کارخانه شال‌کوبی رشت، آموزگاران، خیاطان، کفاشان، کارکنان دفتری، بافندگان فرش، قنادان، و کارگران تلگراف مشهد، اتحادیه آشپزها، خدمتکاران، بافندگان فرش، گاری‌چی‌ها، نجاران، و کارگران دخانیات تهران.

پایان بخش هفتم - ادامه دارد



مسئله‌های جنبش سندیکایی: وظایف و مبارزات معاصر سندیکاهای کارگری

مروری بر هجدهمین کنگره فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری (بیانیه ژم) - بخش ششم، بخش پایانی

کمیته‌های بین‌المللی برای ترویج و دفاع از آزادی‌ها و حقوق سندیکایی تشکیل دهید:

۱۴- طبقه سرمایه‌دار، ناتوان از نجات خود از چنگال بحران ساختاری عمیق‌شونده سرمایه‌داری، به یورش

وحشیانه به طبقه کارگر و جنبش سندیکایی متوسل شده است. اشتغال ناپایدار را تشویق می‌کند، امنیت شغلی را پایمال می‌کند، شرایط کار را بدتر می‌کند، و حقوق کارگران را، به خصوص حق تشکیل‌یابی، حق چانه‌زنی جمعی، و حق اعتصاب، را از میان می‌برد.

۱۵- انحصارها، شرکت‌های چندملیتی، و دولت‌های جهان سرمایه‌داری برای محدود کردن ایجاد سندیکا و فعالیت آزادانه آن‌ها، نیز محدود کردن آزادی‌های دموکراتیک و فردی کارگران در جامعه و محیط‌های کار، از فناوری‌های نوین استفاده می‌کنند.

۱۶- امروزه، یورش بی‌امان تجسس فناوری‌محور ضدکارگری و ایجاد محدودیت برای فعالیت آزادانه اجتماعی و سندیکایی به سرکوب خشن و وحشیانه ضدسندیکایی همیشگی کارفرمایان اضافه شده است، و خودکامی دولتی نیز آن را تکمیل می‌کند، چندان که حتی تا دست زدن به قتل‌های سازمان‌یافته فعالان سندیکایی گسترش می‌یابد.

ادامه در صفحه ۲



با این حال، این توافق است که تا حدودی با مشکل مواجه شده است یا بهتر است بگوییم نیروهای راست مانع‌های زیادی برای تحقق آن ایجاد کردند، به‌ویژه حزب خوزه

انتونیو کاست، جمهوری خواهان، که از ابتدا به ایده افزایش حقوق رأی منفی دادند و نمی‌خواستند که این افزایش حقوق شامل حال بیش از ۹۰۰ هزار نفر گردد. و این امر توجه ما را به خود جلب کرد که پس از اینکه دولت سیگنال‌هایی مهم در مورد شرکت‌های کوچک و متوسط داد، نیروهای راست که در ابتدا موافقت خود را با رأی مثبت به این توافق‌نامه اعلام کردند بعداً به آن رأی منفی یا ممتنع دادند. این برای ما جالب به نظر می‌رسد، زیرا این اولین بار است که در ۴۴ مذاکره برای حداقل دستمزد پس از بازگشت به دموکراسی یک دولت مزایایی خاص را از طریق یارانه به شرکت‌های کوچک و متوسط اعطا می‌کند تا آن‌ها بتوانند حداقل دستمزد را تا سال ۲۰۲۵/۱۴۰۴ بپردازند.

به‌علاوه در آخرین مرحله از رأی‌گیری بخشی از راست‌ها و میانه‌ها که در مقابل فشار سندیکاها هم در شبکه‌های اجتماعی و هم در داخل و خارج مجلس قرار داشتند افزایش دستمزد را پذیرفتند. این بسیار مهم بود و اجازه داد که ایده عقل سلیم در ارتباط با آنچه لازم بود و هست پیروز گردد و فوراً منافع اقتصادی بیشتری در کشورمان به‌ارمغان بیاوریم و دستمزدها را افزایش دهیم. بنابراین به نظر من این درسی مهم برای اصلاحات در آینده است.

پرسش: پیش‌بینی‌ها در امور قانونی درباره این توافق‌نامه چیست؟
پاسخ: دو فرم مهم وجود دارند که در این شش ماهه دوم امسال با آن روبرو خواهیم بود و فوریت متفاوتی دارند. اولین و فوری‌ترین چیز این است که مردم شیلی بی‌درنگ خواهان افزایش حقوق بازنشستگی، بازنشستگی تضمینی همگانی (PGU) خواهان ۲۵۰ هزار پزو هستند - موضوعی که در قانون‌گذاری در مورد فرم مالیاتی رد شد - اما همچنین لازم است حقوق بازنشستگان فعلی افزایش یابد. بنابراین این به اصلاحاتی نیاز دارد که یک بازیگر عمومی را در خود جای دهد که حس همبستگی را در سیستم ایجاد کند، زیرا خانواده‌های شیلیایی دیگر نمی‌توانند صبر کنند. به نظر من از درس‌هایی که از رأی‌گیری در مورد حداقل دستمزد گرفته شده این است که با بسیج مردمی، با طبقه کارگری که نیازهای مشخص کارگران را در مرکز قرار می‌دهد، می‌توان سناریوی اکثریتی را که راست افراطی دارد معکوس کرد. نکته دوم و اساسی برای جنبش سندیکایی اتفاقی است که اینجا در مرکز واحد کارگران رخ داد. گفت‌وگوی بسیار خوبی در بدنه سندیکاها در مورد مذاکره دسته‌جمعی رشته‌ای شروع می‌شود که خواست مشخص سندیکاها نیست، بلکه تغییر اساسی در الگوی روابط کار است. باید به خاطر داشت که کشورهایی که به‌طور جمعی مذاکره می‌کنند دموکراسی‌ای قوی‌تر و سیستم‌های توزیع درآمدی‌ای بسیار عادلانه‌تر دارند. بنابراین، محور قرار دادن این بحث برای شش ماهه دوم امسال بدون شک چالشی برای کارگران خواهد بود.

منبع: هفته‌نامه ال سیگلو، وابسته به حزب کمونیست شیلی
به تاریخ ۱۴ خرداد ماه ۱۴۰۲



اتحاد رمز پیروزی ماست. تجربه وحدت سندیکایی در مبارزات کارگران شیلی

مصاحبه با دبیرکل مرکز واحد کارگران شیلی (سی. یو. تی)

روز ۲۹ ماه مه / ۸ خردادماه و پس از بحث و گفت‌گویی گسترده، مجلس نمایندگان لایحه‌ای را امضا کرد که به‌تدریج حداقل دستمزد را به ۵۰۰ هزار پزو افزایش می‌دهد. این قانون چه می‌گوید و از چیزی تشکیل شده است؟ برای پاسخ به این پرسش با اریک کامپوس، دبیرکل مرکز واحد کارگران (سی.یو.تی)، به‌گفت‌وگو نشستیم. او سه محور برای درک توافق بین مرکز واحد کارگران و دولت ارائه کرد.

پرسش: نکته‌های اصلی قانون چیست؟
پاسخ: نکته اصلی این است که این توافق امکان بازیابی توانایی مصرف طبقه کارگر را فراهم می‌کند. بنابراین، این توافقی است که به‌تدریج حداقل دستمزد را به ۵۰۰ هزار پزو افزایش می‌دهد، از اول تابستان و از ماه مه / اردیبهشت - خردادماه امسال عطف به‌مسابقی می‌شود. این از ۴۱۰ هزار پزو به ۴۴۰ هزار پزو افزایش می‌یابد. در ماه اول پاییز دستمزد دوباره به ۴۶۰ هزار پزو افزایش می‌یابد. و در ابتدای تابستان ۲۰۲۴ / ۱۴۰۳ درنهایت به ۵۰۰ هزار پزو افزایش می‌یابد.

با این حال، اگر در ماه دسامبر / آذر - دی‌ماه شاخص قیمت مصرف‌کننده بیش از ۶ درصد باشد، در ژانویه / دی - بهمن‌ماه ۱۰ هزار پزو بیشتر پیش‌بینی می‌شود و به ۴۷۰ هزار پزو افزایش می‌یابد. افزون بر این، ما توانستیم نه‌تنها پرداخت به کسانی را که مسئولیت خانوادگی دارند، بلکه قشرها یا بخش‌هایی را که می‌توانند به این مزایا دسترسی داشته باشند بسط دهیم. و همان‌طور که ما تعهد سال گذشته را نیز تأیید کردیم که سبب ایجاد کیف پول الکترونیکی شد که درواقع به هزاران خانواده اجازه می‌دهد مالیات بر ارزش افزوده غذایی را که از طریق کارت دولتی خریداری می‌کنند، پرداخت نکنند.

پرسش: چه ترازنامه‌ای از سوی مرکز واحد کارگران به‌عمل می‌آید و مجلس چه نقشی بازی کرده است؟

پاسخ: من می‌توانم بگویم که این توافق مهم برای چیزی است که آن را معرفی می‌کند. این توافق‌نامه‌ای است که از خواست‌های مرکز واحد کارگران و گفت‌وگوهایی که با دولت، به‌طور عمده با وزیر ماریو مارسل و وزیر زانت خارا، صورت گرفت به‌وجود آمده است. این توافقی است که در چارچوب گفت‌وگوی اجتماعی است، موضوعی که به‌اعتقاد من باید در چارچوب ساخت سیاست‌های عمومی آن را تقویت کنیم.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۷۳
Nameh Mardom - Workers Supplement No.73

19 June 2023

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

